




Clarifying the scope of jurisdiction of peace courts in handling claims against electricity distribution companies

Mohsen Majidi¹  | Ehsan Shariati Fard²

1. Corresponding Author; Bachelor of Laws student, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran. Email: m.majidi.skedc@gmail.com
2. Ph.D in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran. Email: Eshariati013@gmail.com

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Pages: 21-42</p> <hr/> <p>Received: 2025/01/21</p> <p>Accepted: 2025/10/27</p> <p>Published online: 2025/12/07</p> <hr/> <p>Keywords: <i>public and government property, electricity distribution networks, Dispute Resolution Councils Law.</i></p>	<p>As one of the main pillars of the country's electricity industry, electricity distribution companies are constantly faced with legal and criminal lawsuits in judicial authorities due to their extensive activities and continuous interaction with individuals and various institutions. The number and diversity of these lawsuits, along with the approval of the new Dispute Resolution Councils Law in 1402 and the creation of peace courts, have led to many ambiguities in determining the jurisdiction of the judicial authority. Also, given that the maintenance and development of public electricity networks are considered one of the most important tasks of electricity distribution companies and these networks are considered public and government property, determining the competent authority to handle lawsuits related to this category of property, in light of recent legal developments, is accompanied by significant challenges and complexities. Accordingly, the present study, using a descriptive-analytic method and relying on reliable library sources, first explains the legal nature of electricity distribution companies and determines the status of the property under their control. Then, by categorizing the types of related lawsuits, it examines and analyzes the jurisdiction of peace courts based on the origin and cause of the lawsuits.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Majidi, Mohsen; Shariati Fard, Ehsan (2025). Clarifying the scope of jurisdiction of peace courts in handling claims against electricity distribution companies. <i>Water and Electricity Law</i>, 2 (1), 21-42.</p>
<p>Publisher</p>	<p>Niroy Research Institute. </p>



تبیین دامنه صلاحیت دادگاه‌های صلح

در رسیدگی به دعاوی شرکت‌های توزیع نیروی برق

محسن مجیدی^۱ | احسان شریعتی فرد^۲

۱. نویسنده مسئول؛ دانشجوی مقطع کارشناسی حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

رایانامه: m.majidi.skedc@gmail.com

۲. دانش‌آموخته مقطع دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

رایانامه: Eshariati013@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	شرکت‌های توزیع نیروی برق به سبب گستره فعالیت‌ها و تعامل مستمر با آحاد مردم و نهادهای گوناگون، به‌طور مداوم با دعاوی حقوقی و کیفری در مراجع قضایی مواجه می‌باشند. این تعدد و تنوع به تنهایی منشا ایجاد ابهامات فراوان در تعیین صلاحیت محاکم رسیدگی‌کننده بوده است و حال با تصویب قانون جدید شوراهای حل اختلاف در سال ۱۴۰۲ و ایجاد نهاد نوظهور دادگاه‌های صلح، این ابهامات گسترده‌تر نیز شده است. یکی از این ابهامات، تعیین مرجع صالح جهت رسیدگی به دعاوی مرتبط با شبکه‌های توزیع عمومی برق می‌باشد که در پرتو تحولات قانونی اخیر، با چالش‌ها و پیچیدگی‌های قابل توجهی همراه بوده است؛ چرا که از یک طرف، نگهداری و توسعه این شبکه‌ها از مهم‌ترین وظایف شرکت‌های توزیع نیروی برق به‌عنوان شرکتی غیردولتی بوده و از سوی دیگر این شبکه‌ها در زمره اموال عمومی و دولتی قرار می‌گیرند و این تضاد خود منشا ابهامات بیشتر است. بر همین این اساس، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و اتکا به منابع معتبر کتابخانه‌ای، در گام نخست به تبیین ماهیت حقوقی شرکت‌های توزیع نیروی برق و تعیین جایگاه اموال تحت تصرف آن پرداخته و در ادامه، با دسته‌بندی انواع دعاوی مرتبط، حدود صلاحیت دادگاه‌های صلح برای رسیدگی به دعاوی این شرکت‌ها را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.
صفحات: ۴۲-۲۱	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۲	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۵	
تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۹/۱۶	
کلیدواژه‌ها: اموال عمومی و دولتی، شبکه‌های توزیع برق، قانون شوراهای حل اختلاف.	
استناد	مجیدی، محسن؛ شریعتی فرد، احسان (۱۴۰۴). تبیین دامنه صلاحیت دادگاه‌های صلح در رسیدگی به دعاوی شرکت‌های توزیع نیروی برق. <i>حقوق آب و برق</i> ، ۲ (۱)، ۴۲-۲۱.
ناشر	پژوهشگاه نیرو



۱. مقدمه

روزانه دعاوی متعددی در ارتباط با شرکت‌های توزیع نیروی برق در سطح کشور اقامه می‌شود که دارای نقاط مشترک موضوعی و سببی بوده و از این حیث قابل دسته‌بندی است. با این وجود، ابهامات فراوانی در تعیین مرجع صالح به رسیدگی در هر یک از این دسته‌بندی‌ها وجود داشته و این ابهامات با تصویب و ابلاغ قانون جدید شوراهای حل اختلاف در سال ۱۴۰۲ بیشتر نیز شده است. حال شرکت‌های توزیع برق با این پرسش مواجه می‌باشند که دعاوی مطروحه با سبب‌های مختلف از حیث صلاحیت ذاتی یا نسبی باید در دادگاه‌های صلح رسیدگی شود یا در دادگاه‌های عمومی حقوقی و کیفری؟

در پاسخ به این پرسش باید توجه نمود که نوپا بودن نهاد دادگاه‌های صلح و قوانین مرتبط با آن منجر شده تا در مطالعات انجام شده، به‌طور مشخص به موضوع صلاحیت رسیدگی به دعاوی شرکت‌های توزیع برق پرداخته نشود. با این وجود، می‌توان از پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص ارتباط این شرکت‌ها با دولت یا ساختار تشکیلات دادگاه‌های صلح استفاده نمود تا شفافیت موضوع مورد بحث بیشتر گردد. آنچه مشخص است شرکت‌های توزیع برق به دلیل ارتباط کاری مستمر با دولت، وابسته به آن بوده و این موضوع ملازمه‌ای با نوع تشکیل آن‌ها ذیل تعاریف حقوقی قانون تجارت ندارد (برزگر، ۱۴۰۲:۱۲۳).

به عقیده برخی از پژوهشگران، نهاد جدید دادگاه صلح فاقد یک الگوی مشخص و فرموله شده برای تعیین صلاحیت رسیدگی بوده و صرفاً در قانون مورد بحث، مرجعی جدید تعیین شده تا از حجم دعاوی متعدد دستگاه قضا در دادگاه‌های عمومی بکاهد (کاویار، امینی، ۱۴۰۳:۱۰۵). همچنین، به نظر می‌رسد که نگاه قانون‌گذار برای تشکیل دادگاه‌های صلح، کاهش اطاله دادرسی بوده است؛ حال آن‌که عوامل مهم‌تر و مختلفی به این اطاله دامن زده است که با تشکیل دادگاه‌های صلح به تنهایی قابل حل نخواهد بود (خانی، دهقان دار، ۱۴۰۳:۱۶۸).

در مقابل و بر خلاف انتقادات موجود، عده‌ای نیز بر این عقیده‌اند که این قانون نوآوری‌های زیادی داشته است و از جمله آن‌ها می‌توان به اختصاص صلاحیت رسیدگی به جرایم درجه ۷ و ۸ به دادگاه‌های صلح، محدود کردن صلاحیت شوراهای حل اختلاف در صدور آرای صلح و سازش، و امکان حضور اعضای این شورا در دادگاه‌های صلح اشاره نمود (مجبی، ملک‌شاهی، ۱۴۰۳:۱۸۵). همچنین برخی از پژوهشگران معتقدند که قانون جدید توانسته است تا در مسیر قضا‌دایی اقدام به وضع نهادهای نوین حل اختلاف نماید که دادگاه‌های صلح در زمره این نهادها قرار می‌گیرند (رجبی، رجبی نژاد، ۱۴۰۳:۷۵).

با تمام این توضیحات، موضوعی که به نظر مغفول مانده است، بررسی تغییرات ناشی از تصویب قانون جدید در حدود صلاحیت محاکم می‌باشد. در این پژوهش، ضمن تلاش برای تکمیل این خلاء مطالعاتی،

به این پرسش پاسخ داده شده است که شمول عمومی و دولتی بودن اموال مرتبط با دعاوی شرکت‌های توزیع برق، چه تاثیری بر تعیین صلاحیت دادگاه‌های صلح برای رسیدگی به آن می‌گذارد؟ در پاسخ به این پرسش، فرض بر این نهاده شده است که دادگاه صلح در دعاوی مرتبط با اموال عمومی و دولتی صالح به رسیدگی نبوده و این دعاوی باید در دادگاه‌های عمومی مطرح شوند. برای پاسخ روشن‌تر به این سوال و تبسیط فرضیه مطرح شده، ابتدا واژه‌شناسی و به عبارت دقیق‌تر، مفهوم‌شناسی اصطلاحات مرتبط ارائه شده و در بخش دوم عوامل موثر بر تعیین صلاحیت‌ها تبیین گردیده است. در ادامه، ضمن بررسی موارد مندرج در قانون جدید، دعاوی شرکت‌های توزیع برق بر اساس ماهیت هر یک از آن‌ها دسته‌بندی شده و استدلال تعیین مرجع صالح در رسیدگی نیز ارائه گردیده است. با این تقسیم‌بندی موضوعی، ضمن پاسخ به نقاط عطف مورد مناقشه در مبحث صلاحیت دادگاه‌های صلح، نتیجه‌گیری لازم به عمل آمده است.

۲. مفهوم شناسی

صلاحیت دادگاه: صلاحیت یک دادگاه نسبت به اموری است که می‌تواند به آن‌ها رسیدگی کند و در قلمروی واقع می‌شود که می‌تواند اقدام به رسیدگی نماید (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲:۴۰۷).

اموال عمومی: اموالی است که بر خلاف اموال خصوصی، متعلق به منفعت عمومی و شخص حقوقی حقوق عمومی می‌باشد و شامل اموال دولتی، اموال شرکت‌های دولتی، و اموال عمومی به معنای خاص خواهد بود (عبداللهی، ۱۳۹۸:۶۵).

اموال دولتی: اموالی که معد است برای مصالح یا انتفاعات عمومی مثل استحکامات و قلاع و خندق‌ها و خاکریزهای نظامی و قورخانه و اسلحه و ذخیره و سفاین جنگی و همچنین اثاثیه و انبیه و عمارات دولتی و سیم‌های تلگرافی دولتی و موزه‌ها و کتابخانه‌های عمومی و آثار تاریخی و امثال آن‌ها و بالجمله آن‌چه از اموال منقول و غیرمنقول که دولت به‌عنوان مصالح عمومی و منافع ملی در تحت تصرف دارد، قابل تملک خصوصی نیست و همچنین اموالی که موافق مصالح عمومی به ایالت و ولایت یا ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد.^۱

انفال: اموالی است که به موجب قانون متعلق به شخص اول اسلام می‌باشد. این اموال عبارتند از اراضی انفال، جنگل‌های طبیعی و نیزارها و نظایر آن‌ها که وارث قانونی ندارد؛ و یا دریاها، اقیانوس‌ها، و رودهای طبیعی که ملک اشخاص شناخته نشده؛ و آن‌چه که از دریاها و رودخانه‌ها صید می‌شوند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲:۹۵).

۱. ماده ۲۶ قانون مدنی

۳. صلاحیت مراجع قضایی در قانون جدید شوراهای حل اختلاف

بر اساس تعاریف ارائه شده، صلاحیت را باید اختیاری دانست که به موجب قانون، به یک مرجع قضایی یا شبه قضایی داده می‌شود تا به دعاوی رسیدگی کند (متین دفتری، ۱۳۷۸:۲۰۸). بنابراین، قواعد جاری در تعیین صلاحیت مراجع دادگستری منطبق با قواعد عام آیین دادرسی مدنی و کیفری است، با این توضیح که این قواعد دارای استثنائاتی بسیار محدود نیز می‌باشد. توجه به این نکته ضروری است که این استثنائات باید به صورت مضیق تفسیر گردد تا از گستردگی دامنه صلاحیت‌های خاص جلوگیری به عمل آید. از جمله این استثنائات، می‌توان به دعاوی اموال غیرمنقول، دعاوی اعسار، دعاوی راجع به سند سجل احوال، دعاوی خسارت و هزینه دادرسی، اختلافات ناشی از اجرای حکم، دعاوی طاری و قواعد ترازی طرفین برای عدول از صلاحیت نسبی اشاره نمود (قائم مقام فراهانی، ۱۳۸۴:۱۵۷).

با تصویب قانون جدید شوراهای حل اختلاف در سال ۱۴۰۲، مبحث صلاحیت در نظام دادگستری کنونی دچار دگرگونی شد و به دلیل نیاز به تشکیل شعب جدید دادگاه‌های صلح، حداقل از حیث ظاهری و تعدد، بسیاری از مجتمع‌های حقوقی و کیفری متحول گردید. بررسی تاریخچه تصویب این قانون نشان می‌دهد که در خلال رفت‌وآمدهای لایحه پیشنهادی قوه قضاییه به مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، عنوان دادگاه‌های صلح به قانون افزوده شده و همین موضوع به ناهمگونی مواد آن دامن زده است (فتحی، ۱۴۰۳:۱۱۹). این قانون در فصل دوم خود به تبیین حدود صلاحیت‌های شورا و دادگاه‌های صلح پرداخته است و در ماده ۱۱ از همین فصل، مواردی مشخص شده است که حتی با توافق طرفین، قابل طرح در شورای حل اختلاف نیست و باید توسط دادگاه صلح رسیدگی شوند.^۱ موارد حصری این ماده نشان می‌دهد که قانون‌گذار عناوینی از جمله وقفیت، حجر، ورشکستگی، و رسیدگی به اموال عمومی و دولتی که همگی مرتبط با منفعت عموم جامعه می‌باشند را از طرح در شورا مستثنی کرده است. با این وجود، شوراهای حل اختلاف بر اساس ماده ۱۳ قانون جدید با درخواست طرفین می‌توانند نسبت به صلح و سازش در این سه مورد اقدام نمایند: (۱) کلیه امور مدنی و حقوقی؛ (۲) جنبه خصوصی جرایم غیرقابل گذشت؛ (۳) کلیه جرایم قابل گذشت. نکته حایز اهمیت در بند ۴ ماده ۱۱ قانون مزبور این

۱. طبق ماده ۱۱ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲، دعاوی زیر حتی با توافق طرفین قابل طرح در شورا نیست:

۱. اختلاف در اصل نکاح، اصل طلاق، بطلان نکاح، فسخ و انفساخ نکاح، بذل مدت و انقضای آن، رجوع، نسب، ولایت

قهری و قیمومت

۲. اختلاف در اصل وقفیت و وصیت و تولیت

۳. دعاوی راجع به حجر و ورشکستگی

۴. دعاوی راجع به وجوه و اموال عمومی و دولتی و انفال

۵. امری که به موجب قوانین دیگر در صلاحیت مراجع اختصاصی یا مراجع قانونی غیردادگستری می‌باشد.

است که دعاوی راجع به وجوه و اموال عمومی و دولتی و انفال حتی در صورت توافق طرفین نیز قابل طرح در شورا نمی‌باشد و این خود یکی از عوامل ابهام در فهم از قانون ابلاغی است (توکلی، ۱۴۰۳: ۴۸). هر چند به صراحت در این ماده گفته نشده که دعاوی مربوط به این اموال، قابل طرح در دادگاه‌های صلح نیز نمی‌باشند، ولی به نظر می‌رسد مضمون نظر مقنن این بوده است که دعاوی ماده ۱۱ فقط در دادگاه‌های عمومی حقوقی و کیفری قابل رسیدگی باشند.

از سوی دیگر، در ماده ۱۲ همین قانون، حدود صلاحیت دادگاه‌های صلح تعیین شده است.^۱ همان‌طور که مشخص است، رسیدگی به تعداد زیادی از دعاوی دارای اهمیت کمتر به دادگاه‌های صلح محول شده تا برای تحقق یکی از اهداف قانون‌گذار، اطلاع دادرسی در دادگستری کاهش یابد. به نظر می‌رسد که وجه مشترک موارد ماده ۱۲ از نظر مقنن، اهمیت پایین‌تر این دعاوی از حیث مادی و اجتماعی بوده است و این هدف دنبال شده تا دعاوی با حد نصاب مالی بیشتر از یک میلیارد ریال یا موارد با اهمیت بالاتر، در صلاحیت دادگاه‌های عمومی باقی بماند. با این وجود، نقدی که به ماده ۱۲ وارد است، ورود بدون مقدمه قانون‌گذار به مبحث دادگاه‌های صلح بدون هیچ توضیح و سنگ بنای نوشتاری است؛ در حالی که این شیوه در خصوص دادگاهی که در سازمان قضایای ایران وجود نداشته و قرار است که به موجب این قانون ایجاد شود، صحیح و متعارف نمی‌باشد (همان، ۱۴۰۳: ۴۸).

۱. طبق ماده ۱۲ قانون شوراهای حل اختلاف، صلاحیت‌های دادگاه صلح به شرح زیر است:
 ۱. دعاوی مالی تا نصاب یک میلیارد (۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال
 - تبصره - رییس قوه قضاییه می‌تواند نصاب مذکور در این بند را هر سه سال یک بار با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود، تعدیل کند.
 ۲. دعاوی حقوقی تصرف عدوانی، مزاحمت، و ممانعت از حق
 ۳. دعاوی راجع به جهیزیه، مهریه، و نفقه تا نصاب مقرر در بند (۱) این ماده در صورتی که مشمول ماده (۲۹) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ نباشد.
 ۴. دعاوی و درخواست‌های مربوط به تخلیه عین مستاجر و تعدیل اجاره بها به جز دعاوی مربوط به سرقتی و حق کسب یا پیشه یا تجارت
 ۵. اعسار از پرداخت محکوم به در صورتی که دادگاه صلح نسبت به اصل دعوا رسیدگی کرده باشد.
 ۶. حصر ورثه، تحریر ترکه، مهر و موم و رفع آن
 ۷. تامین دلیل
 ۸. تقاضای سازش موضوع ماده (۱۸۶) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱
 ۹. جنبه عمومی و خصوصی کلیه جرایم غیر عمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی
 ۱۰. جرایم عمدی تعزیری مستوجب مجازات درجه هفت و هشت
 ۱۱. دعاوی اصلاح شناسنامه، استرداد شناسنامه، اصلاح مشخصات مدرک تحصیلی (به استثنای مواردی که در صلاحیت دیوان عدالت اداری است)، الزام به اخذ پایان کار، اثبات رشد، الزام به صدور شناسنامه، تصحیح و تغییر نام

۴. ماهیت حقوقی شرکت‌های توزیع برق و اموال مربوط به آن‌ها

در پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش ابتدا باید بررسی کرد که شرکت‌های توزیع برق در کدام دسته از شرکت‌های مندرج در قانون تجارت قرار می‌گیرند. سپس باید به این پرسش پاسخ داده شود که اموال موضوع دعوی حقوقی و کیفری این شرکت‌ها، در زمره اموال عمومی و دولتی قرار دارد یا خیر؟ برای پاسخ به سوال نخست باید به اساسنامه این شرکت‌ها مراجعه نمود. با تصویب قانون استقلال شرکت‌های توزیع برق در سال ۱۳۸۴، متعاقباً اساسنامه این شرکت‌ها نیز تنظیم و منتشر گردید که ملاک عمل در تشخیص ماهیت حقوقی آن‌ها می‌باشد. بر همین اساس، بررسی ماده ۲ این اساسنامه نشان می‌دهد که شرکت‌های توزیع برق مشخصاً به‌عنوان شرکت سهامی خاص تعیین شده‌اند. از طرفی در ماده ۸ این اساسنامه که مربوط به ترکیب سهام‌داران این شرکت‌ها می‌باشد به‌صراحت گفته شده که سرمایه اولیه این شرکت، مشتمل بر ۴۰ درصد سهام ممتاز مربوط به شرکت مادر تخصصی توانیر و ۶۰ درصد سهام عادی مربوط به اشخاص حقیقی و حقوقی می‌باشد. با این توصیف، هر چند به‌طور دقیق مشخص نشده که ۶۰ درصد سهام عادی شامل چه اشخاص حقوقی می‌باشد و ماهیت آن اشخاص حقوقی از حیث دولتی یا غیردولتی چه می‌باشد، ولی با فرض خصوصی بودن این اشخاص^۱ باید گفت که بیش از نیمی از سهام شرکت‌های توزیع برق در اختیار سهام‌داران بخش خصوصی قرار گرفته است. در نتیجه شرکت‌های توزیع برق را باید در دسته شرکت‌های سهامی خاص قرار داد (برزگر خسروی، ۱۴۰۲: ۱۲۳).

مبنای قانونی دیگری که تعیین‌کننده ماهیت حقوقی شرکت‌های توزیع برق می‌باشد، ماده واحده قانون استقلال این شرکت‌ها است. در این ماده واحده و بند دوم آن^۲ باز هم به‌صراحت گفته شده که این شرکت‌ها به‌صورت غیردولتی عمل می‌نمایند. با این توضیحات، می‌توان نتیجه گرفت که مستند به مواد ۲ و ۸ اساسنامه شرکت‌های توزیع برق و تأییدهای بعدی ارایه شده در ماده واحد قانون استقلال، با شرکت‌های توزیع برق باید به‌عنوان یکی از شرکت‌های سهامی خاص و غیردولتی برخورد نمود.

موضوع دومی که باید مشخص شود، ماهیت اموالی است که شرکت‌های توزیع برق متصدی نگهداری و بهره‌برداری از آن هستند. هر چند این شرکت‌ها خود دارای ماهیتی خصوصی و غیردولتی می‌باشند ولی باید دید اموالی که وظیفه ایجاد و نگهداری آن به‌عهده این شرکت‌ها گذاشته شده است از

۱. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ۶۰ درصد سهام شرکت‌های توزیع برق متعلق به شرکت سرمایه‌گذاری صنایع برق و آب صبا است (برزگر خسروی، ۱۴۰۲: ۱۲۳).

۲. بند ۲ ماده واحد قانون استقلال شرکت‌های توزیع برق، مصوب ۱۳۸۴: شرکت‌های توزیع برق استان‌ها با اختیارات کافی برای ایجاد، نگهداری، بهره‌برداری از تاسیسات شبکه‌های توزیع نیروی برق در حوزه فعالیت خود به‌صورت غیردولتی عمل می‌کنند.

حیث مالکیت در اختیار چه بخشی می‌باشد. فرض اول آن است که به دلیل تصرف شرکت‌های توزیع برق در اموال مد نظر، باید این اموال را بر اساس قاعده ید در مالکیت شرکت‌های برق دانست؛ بنابراین اموال مذکور نیز جنبه غیردولتی دارند (محقق داماد، ۱۳۹۹: ۱۰۱). این فرض بر اساس قواعد فقهی درست به نظر می‌رسد؛ اما باید قوانین خاص این حوزه را به صورت دقیق‌تر بررسی نمود. همان‌طور که در تبصره ۳ بند ۴ ماده واحده قانون استقلال^۱ عنوان شده است، دارایی‌های مربوط به شبکه‌های توزیع برق بعد از تصویب این قانون از شرکت‌های برق منطقه‌ای به توزیع منتقل می‌شوند که نشان‌دهنده تملک دارایی‌ها توسط شرکت‌های توزیع برق تا سال ۱۳۹۹ می‌باشد. اما از سوی دیگر، در آخرین تغییرات اعمال شده بر این موضوع، هیات وزیران در تصویب‌نامه‌ای به شماره ۴۵۵۸۹/ت/۵۷۴۲۶ هـ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۲۹^۲، دارایی‌های منتقل شده در اثر تصویب قانون استقلال را به شرکت مادر تخصصی توانیر بازگردانده است. بنابراین، با این تصویب‌نامه، دارایی‌هایی که شرکت‌های توزیع برق با آن در ارتباط هستند، مجدداً به بخش دولتی منتقل شده‌اند. همچنین در بند ۲ تصویب‌نامه مزبور، مشخصاً شبکه‌های برق عمومی به عنوان یکی از اموال دولتی شناخته شده و به طور خاص مد نظر قرار گرفته است. با این توضیحات، در پاسخ به پرسش دوم و در خصوص اموال شرکت‌های توزیع برق باید گفت که بر اساس آخرین تغییرات حقوقی صورت گرفته شده، این اموال متعلق به حقوق عمومی و دولتی می‌باشند.

۵. نحوه رسیدگی محاکم قضایی به دعاوی شرکت‌های توزیع برق

ترسیم یک تصویر دقیق از رویکرد محاکم قضایی در زمان مواجهه با دعاوی شرکت‌های توزیع برق کمک می‌کند تا فرضیه مطرح شده در ابتدای شروع پژوهش به صورت دقیق‌تر تحلیل گردد. بر همین

۱. دارایی‌ها، حقوق، بدهی‌ها، تعهدات، و حقوق عمومی مربوط به بخش توزیع و نیروی انسانی مربوطه از شرکت‌های برق منطقه‌ای به شرکت‌های توزیع نیروی برق استان‌ها منتقل می‌شوند. تفاوت دارایی‌ها با بدهی‌ها و تعهدات و حقوق عمومی متناسباً با حساب سرمایه شرکت توانیر در شرکت‌های برق منطقه‌ای و حساب سرمایه، طلب و یا بدهی شرکت توانیر در شرکت‌های توزیع نیروی برق استان‌ها منظور می‌شود و یا به اجاره به شرط تملیک شرکت‌های توزیع نیروی برق استان‌ها در خواهد آمد.

۲. هیات وزیران در جلسه ۱۳۹۹/۴/۲۵ به پیشنهاد شماره ۱۰۰/۳۰/۴۵۸۷۷/۹۸ مورخ ۳۰/۱۰/۱۳۹۸ وزارت نیرو و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۶ - تصویب کرد:

۱. دارایی‌های واگذار شده از ابتدای سال ۱۳۹۶ به شرکت‌های توزیع نیروی برق، در سال ۱۳۹۹ با تصویب ارکان ذیصلاح شرکت‌های ذی‌ربط به شرکت توانیر برمی‌گردد و در دفاتر شرکت مذکور ثبت می‌شود.
۲. دارایی‌های بخش توزیع به جز شبکه‌های عمومی برق در چهارچوب قانون استقلال شرکت‌های توزیع نیروی برق در استان‌ها و آیین‌نامه اجرایی آن در دفاتر شرکت‌های توزیع نیروی برق ثبت می‌شود.

اساس، لازم است تا نحوه رسیدگی دادگاه‌های حقوقی و کیفری را در مبدا زمانی تدوین و ابلاغ قانون جدید شوراهای حل اختلاف به دو قسمت تقسیم نماییم تا کیفیت رسیدگی در رویه قضایی، قبل و بعد از ابلاغ این قانون به صورت شفاف مشخص گردد.

۵.۱. رویه قضایی پیش از ابلاغ قانون جدید

۵.۱.۱. رویه قضایی در دیوان عدالت اداری

اغلب خواهان‌ها یا شکات با فرض این که شرکت‌های توزیع برق (با تصور عام تر: اداره برق) دولتی یا وابسته به دولت می‌باشند، نسبت به طرح دعوا در دیوان عدالت اداری اقدام می‌نمایند. این نحوه طرح دعوا در رویه قضایی موجود، چه پیش از ابلاغ قانون جدید و چه پس از آن، با قرار عدم صلاحیت رویرو شده است؛ چرا که اسنادی از جمله اساسنامه شرکت، مکاتبات دیوان عدالت اداری^۱، و آرای وحدت رویه صادره از هیات عمومی، غیردولتی بودن شرکت‌های توزیع برق را محرز دانسته و رسیدگی به دعاوی مربوط به آن‌ها را در صلاحیت دادگاه‌های عمومی می‌داند و رویه قضایی و آرای صادره نیز موید این امر می‌باشد (ابریشمی راد و نگینی، ۱۰۹:۱۴۰۳). به عنوان مثال در دعوایی با موضوع رفع تصرف عدوانی علیه شرکت توزیع نیروی برق گیلان، دیوان عدالت اداری به واسطه خصوصی بودن این شرکت و عدم قرارگیری در زمره تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی، قرار عدم صلاحیت به اعتبار و شایستگی دادگاه‌های عمومی حقوقی گیلان صادر نموده است (شعبه سوم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری، ۱۳۹۵: ۱). در موردی مشابه، دیوان عدالت اداری به دلیل استقلال شرکت‌های توزیع نیروی برق از وزارت نیرو، با استناد به بند (پ) ماده (۵۳) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، قرار رد شکایت را صادر کرده است (شعبه ۲۴ دیوان عدالت اداری، ۱۳۹۵: ۱).

۵.۱.۲. ارجاع به داوری در رویه قضایی

دسته‌بندی دیگری که از رویه‌های قضایی موجود می‌توان ارایه داد مربوط به مواردی است که دادگاه‌ها با تصمیمات داور یا ارجاع امر به داوری در اختلافات قراردادی مواجه می‌شوند. در این موارد، در صورتی که موضوع داوری مربوط به اموال عمومی و دولتی باشد، دادگاه‌های عمومی حکم بر بی‌حقی داده یا قرار رد دعوی صادر می‌نمایند. مبنای قانونی این امر، استناد به اصل ۱۳۹ قانون اساسی و ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی می‌باشد و باید دقت کرد این قبیل تصمیمات در آرای قضایی ارتباطی به شخصیت

۱. ر.ک. به نامه شماره ۹۰۰۰/۲۳۰/۲۸۰۳۲/۲۰۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۱ معاون قضایی در امور حقوقی، پیشگیری و آموزش دیوان عدالت اداری.

شرکت‌ها و موسسات دارنده این اموال ندارد (کریمی و پرتو، ۱۳۹۱: ۱۵۷). استدلال ارایه شده توسط محاکم قضایی این است که فارغ از شخصیت حقوقی شرکت‌های دارنده اموال عمومی، برای ارجاع این امور به داوری باید مجوز هیات دولت اخذ گردد؛ بنابراین منجر به صدور رای بر بطلان دعوای خواهان می‌شود (شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، ۱۳۹۴: ۲). بر همین اساس، در پرونده‌ای مشابه در شعبه ۱۱۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران نیز با استدلال فوق، قرار رد دعوا صادره شده و توسط دادگاه تجدید نظر نیز تایید شده است (شعبه ۱۱۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران، ۱۳۹۴: ۱).

۵. ۱. ۳. تصمیمات شورای حل اختلاف پیش از ابلاغ قانون جدید

مورد دیگری که در رویه قضایی می‌توان مشاهده کرد، تصمیمات شوراهای حل اختلاف در بازه زمانی پیش از اجرایی شدن قانون جدید است. در این موارد، بر اساس قانون مصوب ۱۳۹۴، دعوای راجع به اموال عمومی و دولتی که شرکت‌های توزیع برق نیز متصدی بهره‌برداری و نگهداری بخشی از آن می‌باشند، به دلیل شمول بند (ت) ماده ۱۰ این قانون، با قرار عدم صلاحیت مواجه می‌شود. در موردی مشابه، یکی از شعب شورای حل اختلاف به دلیل طرح دعوای خواهان به طرفیت شرکت توزیع برق مشهد و با استدلال دولتی بودن این شرکت، قرار عدم صلاحیت صادر نموده است (شعبه ۱۶۶ شورای حل اختلاف شهرستان مشهد، ۱۴۰۳: ۱). به نظر می‌رسد که این تصمیم شعبه ۱۶۶ شورای حل اختلاف مشهد باز هم به دلیل تصور عام از دولتی بودن شرکت‌های برق اتفاق افتاده است و منطبق بر استدلال ارایه شده در زمینه ماهیت اموال عمومی و دولتی در اختیار این شرکت نمی‌باشد. در بخش دیگری از آرای صادره، به دلیل این که مبلغ خواسته دعوای مالی از نصاب تعیین شده در این قانون (۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال) بیشتر بوده، قرار عدم صلاحیت صادر شده است (شعبه ۱۷۸ شورای حل اختلاف شهرستان مشهد، ۱۴۰۳: ۲).

۵. ۲. تاثیر قانون جدید بر تغییر رویه حاکم

پس از تشکیل و استقرار دادگاه‌های صلح، رویه به گونه‌ای تغییر کرده است که دادگاه‌های عمومی حقوقی نسبت به صدور قرار عدم صلاحیت برای دعوای در صلاحیت دادگاه صلح اقدام نموده و مستند قانونی آن را ماده ۱۰ قانون جدید شوراهای حل اختلاف عنوان می‌کنند. به عنوان مثال، در دعوای مالی با موضوع مطالبه خسارت با خواسته‌ای به میزان ۱۶۸ میلیون ریال، با این استنباط که دعوای مالی کمتر از یک میلیارد ریال باید در دادگاه‌های صلح اقامه شود، یکی از شعب دادگاه عمومی حقوقی مشهد این دعوا را رد نموده است (شعبه ۱۵ دادگاه عمومی حقوقی مشهد، ۱۴۰۳: ۱). این موضوع فقط منحصر به دعوای حقوقی نبوده و در پرونده‌ای با موضوع ایراد صدمه بدنی غیر عمد ناشی از تصادف، دعوا به استناد ماده ۱۲

قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲ توسط شعبه ۸۵۵ بازپرسی مشهد رد شده است (شعبه ۸۵۵ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان مشهد، ۱۴۰۳: ۱).

هر چند در نمونه آرای ارایه شده در این پژوهش، غالب دادگاه‌های عمومی به دلایلی از جمله استناد به ماده ۱۲ قانون مزبور، نسبت به صدور آرای عدم صلاحیت اقدام نموده‌اند ولی تا زمان نگارش این مقاله نمی‌توان با قاطعیت اعلام کرد که این آرای صادره تبدیل به رویه‌ای واحد شده است؛ زیرا در باب مسایلی از جمله اموال عمومی و دولتی، محاکم قضایی همچنان دچار تشتت آرا و سردرگمی می‌باشند و باید منتظر ماند تا رویه قضایی مناسب و متناسب با دعوی مطروحه شکل گیرد.

۶. صلاحیت رسیدگی به دعاوی شرکت‌های توزیع برق

۶.۱. دسته‌بندی دعاوی مرتبط

موضوع دیگری که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است، دسته‌بندی دعاوی اقامه شده به طرفیت شرکت‌های توزیع برق یا دعاوی اقامه شده توسط این شرکت‌ها به‌عنوان خواهان یا شاکی بوده که رایج‌ترین آن‌ها به‌طور خلاصه به‌شرح ذیل است:

مطالبه خسارات ناشی از آتش‌سوزی

مطالبه خسارات ناشی از نوسانات برق

الزام به واگذاری انشعاب

مطالبه وجه ناشی از تصرف اراضی در اثر احداث شبکه‌های برق

دستکاری لوازم اندازه‌گیری و برق غیر مجاز

استفاده از برق غیرمجاز برای استخراج رمزارز^۱

ایراد صدمه بدنی غیر عمد

سرقت از تجهیزات و شبکه

تخریب تاسیسات برق (عمدی و غیرعمدی)

برق‌گرفتگی و مطالبه دیه

تجاوز به حریم شبکه‌های برق

در یک دسته‌بندی کلی می‌توان این دعاوی را از حیث صلاحیت ذاتی بر اساس صنف، نوع، و درجه تقسیم‌بندی نمود. بر همین اساس، در دسته‌بندی سه‌گانه مربوط به صنف (اداری، کیفری، و حقوقی)، جدول زیر هر یک از دعاوی عنوان شده را در زمره یکی از اصناف صلاحیت ذاتی قرار داده است:

جدول شماره ۱. تقسیم‌بندی دعاوی بر اساس اصناف صلاحیت ذاتی

تقسیم‌بندی صلاحیت ذاتی	اداری	کیفری	حقوقی
بر اساس صنف -	تصرف عدوانی ناشی از احداث شبکه تخریب عمدی تاسیسات برق برق‌گرفتگی و مطالبه دیه تجاوز به حریم شبکه‌های برق دستکاری لوازم اندازه‌گیری و برق غیرمجاز	مطالبه خسارات ناشی از آتش‌سوزی مطالبه خسارات ناشی از لوازم‌سوزی الزام به واگذاری انشعاب	مطالبه وجه ناشی از تصرف اراضی در اثر احداث شبکه‌های برق تخریب غیرعمدی تاسیسات برق الزام به ایفای تعهدات قراردادی
	استفاده از برق غیرمجاز برای استخراج رمز ارز ایراد صدمه بدنی غیر عمد سرقت از تجهیزات و شبکه		

همچنین، در صورتی که ملاک تقسیم‌بندی را مبحث نوع در صلاحیت ذاتی در نظر بگیریم، تمامی دعاوی مطروحه در زمره دادگاه‌های عمومی قرار می‌گیرند و هیچ‌یک به مراجع اختصاصی ارجاع نخواهند شد؛ مگر آن که مرتکب در جرایم اعمال فوق از جمله روحانیون یا نظامیان بوده و به‌موجب مقررات مربوطه، در دادگاه اختصاصی نیاز به محاکمه داشته باشد. از حیث درجه نیز باید در ابتدا، تمامی دعاوی فوق در مرحله بدوی رسیدگی شده و سپس در صورتی قابل تجدید نظرخواهی خواهد بود که به‌موجب تبصره ۵ ماده ۱۲ قانون شوراهای حل اختلاف یا قواعد آیین دادرسی مدنی و کیفری، از جمله موارد قطعی و غیرقابل اعتراض نباشد.

۲.۶. بررسی ماهیت دعاوی و نحوه تعیین صحیح مرجع صالح به رسیدگی

بر اساس آنچه عنوان گردید واضح است که بین صلاحیت دادگاه‌های صلح و ماهیت دعاوی مرتبط با شرکت‌های توزیع برق، ارتباط مستقیمی وجود دارد. اگر بر اساس تقسیم‌بندی نسب اربعه به این موضوع نگاه کنیم کاملاً مشخص است که برخی از دعاوی شرکت‌های توزیع برق در صلاحیت دادگاه‌های صلح و برخی دیگر خارج از صلاحیت این دادگاه‌ها می‌باشند. بنابراین بین صلاحیت و ماهیت این دعاوی، ارتباط منطقی عموم و خصوص من‌وجه وجود دارد.

همچنین پیشتر گفته شد که تا قبل از تصویب قانون جدید شوراهای حل اختلاف، دعاوی مطروحه از باب صنف، به‌طور مشخص در دادگاه‌های کیفری، حقوقی، و اداری رسیدگی می‌شد؛ ولی با تصویب

قانون جدید، دادگاه دیگری نیز به این دسته‌بندی اضافه شد که دادگاه صلح نام گرفت. برای توجیه این که صلاحیت رسیدگی به دعاوی با منشا یا سبب اموال عمومی و دولتی با دادگاه‌های عمومی بوده و خارج از صلاحیت دادگاه‌های صلح است، نمی‌توان صرفاً به متن قانون اخیر شوراهای حل اختلاف در سال ۱۴۰۲ تکیه نمود؛ بلکه باید این استدلال را در فحوای نظر مقنن و پیشینه تاریخی تصویب قوانین مرتبط نیز جستجو کرد. در این باب می‌توان این استدلال را در دو بخش مجزا عنوان نمود.

اولاً همان‌طور که در بند ۴ ماده ۱۱ قانون شوراهای حل اختلاف آورده شده است، دعاوی مرتبط با اموال عمومی و دولتی، حتی با توافق طرفین قابل طرح در شوراها نیست که این امر نشان از اهمیت موضوع اموال عمومی و دولتی و ارتباط آن با حقوق عامه مردم داشته و آن را به نوعی از صلح‌پذیر بودن خارج کرده است. بنابراین به دلیل اهمیت بالای اموال عمومی و دولتی باید رسیدگی به آن را در مرجعی بالاتر از حدود این قانون و در دادگاه‌های عمومی حقوقی یا کیفری دنبال نمود. ثانیاً به نظر می‌رسد که قانون‌گذار در نگارش مواد ۱۱ و ۱۲ قانون مزبور به نوعی دعاوی را درجه‌بندی نموده و دادگاه صلح را مسئول رسیدگی به دعاوی با اهمیت کمتر دانسته است. با این استدلال، باز هم دعاوی اموال عمومی و دولتی از صلاحیت دادگاه صلح خارج خواهد بود؛ ضمن این که سابقه تاریخی صلاحیت‌های مندرج در قانون سابق آیین دادرسی مدنی نیز نشان می‌دهد که رسیدگی به مواردی از جمله دعاوی مربوط به اموال عمومی و دولتی که دارای اهمیت بالاتری بوده‌اند، بر عهده دادگاه‌های تخصصی‌تر قرار داشته و دادگاه موسوم به دادگاه صلحیه بر رفع امور از طریق سازش اقدام می‌نموده است. با این توضیحات می‌توان نتیجه گرفت که رسیدگی به دعاوی مرتبط با اموال عمومی و دولتی، خارج از صلاحیت دادگاه‌های صلح می‌باشد.

با مشخص شدن ارتباط بین ماهیت اموال موضوع دعوا و نحوه تعیین مرجع صالح به رسیدگی، در ادامه هر یک از دعاوی مرتبط با شرکت‌های توزیع برق در دو دسته دعاوی حقوقی و کیفری مورد بررسی قرار گرفته و مطابق این توضیحات، استنباط حقوقی برای تعیین صلاحیت رسیدگی به هر یک از این دعاوی ارزیابی شده است. نکته قابل توجه، گنجانیدن دعاوی کیفری در صلاحیت دادگاه‌های صلح مطابق قانون جدید است؛ زیرا تلفیق رسیدگی به دعاوی حقوقی و کیفری در یک مرجع، دارای سابقه تاریخی در قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ بوده که متأسفانه نتیجه‌ای ناموفق داشته است (فتحی، ۱۴۰۳: ۱۱۹).

۳.۶. تعیین مرجع صالح در دعاوی حقوقی مرتبط

۳.۶.۱. مطالبه خسارات ناشی از آتش سوزی

این دعاوی حقوقی زمانی اقامه می‌شود که خواهان ادعا می‌کند به دلیل اتصالی در شبکه برق (قبل یا بعد از لوازم اندازه‌گیری مانند کنتورها) و در اثر جرقه‌های ناشی از آن، حریق در اموال منقول و غیرمنقول

متعلق به وی رخ داده و منجر به خسارت شده است و بر همین اساس علیه شرکت توزیع برق به‌عنوان مقصر حادثه اقامه دعوا می‌نماید. این نوع از دعاوی را به‌دلیل این‌که ناشی از تعهدات قراردادی نمی‌باشند باید در زمره دعاوی مسئولیت مدنی قرار داد؛ زیرا تدارک برای جبران خسارت توسط دیگری از نگاه غالب حقوق‌دانان در حیطه این مسئولیت خاص گنجانده می‌شود (بابایی، ۱۳۹۹:۱۱۹).

بنابراین با توجه به ماهیت مالی مطالبه خسارت، مرجع صالح به رسیدگی مطابق تقویم خواسته و بر اساس ماده ۱۲ قانون شوراهای حل اختلاف، تعیین می‌شود. بر اساس این ماده قانونی، در صورتی که میزان خواسته کمتر از یک میلیارد ریال باشد باید توسط دادگاه‌های صلح رسیدگی شود و در صورتی که بیش از نصاب مشخص شده باشد در دادگاه‌های عمومی حقوقی به آن رسیدگی خواهد شد. نکته حایز اهمیت این است که خسارت ناشی از آتش‌سوزی معمولاً منشایی در اموال مورد تصرف خواهان دارد و ارتباطی به شبکه عمومی توزیع برق پیدا نمی‌کند؛ بنابراین نمی‌توان با تکیه بر دولتی و عمومی بودن منشأ دعوا، به ابهام موجود در ماده ۱۱ قانون شوراهای دامن زد. البته در موارد اندکی که خسارت ناشی از شبکه برق می‌باشد، حتی در صورتی که میزان خسارت و بهای خواسته کمتر از یک میلیارد ریال باشد باز هم مرجع صالح به رسیدگی، دادگاه‌های عمومی حقوقی می‌باشند، زیرا منشأ خسارت وارده اموال دولتی و عمومی بوده است.^۱

۶.۳.۲. مطالبه خسارات ناشی از نوسانات برق

در صورتی که در اثر نوسانات برق، اموال خواهان دچار آسیب شود، معمولاً نسبت به طرح دعوای مطالبه خسارت اقدام می‌نماید و باید در مقام اثبات، سه رکن دعوای مسئولیت مدنی یعنی «ضرر»، «فعل زیان‌بار»، و «رابطه سببیت» را احراز نماید و نشان دهد که خسارت، ناشی از تقصیر شرکت‌های توزیع نیروی برق بوده یا این‌که امکانات و تجهیزات این شرکت‌ها مستهلک شده و شرکت مزبور نسبت به رفع آن اقدام ننموده است (حبیبی و همکاران، ۱۴۰۳:۸). در این خصوص باید دو حالت را در نظر گرفت. حالت اول زمانی است که منشأ خسارت، شبکه توزیع برق عمومی می‌باشد و به‌دلیل این‌که این منشأ قبل از نقطه تحویل^۲ واقع شده است، باید آن را مرتبط با اموال عمومی و دولتی دانست؛ لذا مطابق بند ۴ ماده ۱۱ قانون مورد بحث، از صلاحیت شوراهای حل اختلاف و دادگاه صلح خارج است و می‌بایست در دادگاه‌های عمومی حقوقی به آن رسیدگی شود. در حالت دوم اگر منشأ خسارت بعد از نقطه تحویل، و در

۱. معمولاً در دعاوی حقوقی با موضوع مطالبه خسارت ناشی از آتش‌سوزی، ملاک قابل اتکا در تعیین منشأ حریق، گزارش سازمان آتش‌نشانی می‌باشد و رویه قضایی حاکم نیز این گزارش را قابل وثوق می‌داند.

۲. نقطه تحویل عبارت است از نقطه‌ای که تاسیسات شرکت به تاسیسات مشترک اتصال داده می‌شود و در آن محل، وسایل اندازه‌گیری نصب می‌گردد.

واقع، ناشی از سیستم داخلی مشترک باشد، امکان طرح دعوا در دادگاه صلح وجود دارد. باز هم در شکل دوم، باید قایل به تفکیک مجدد شد و اگر مبلغ خسارت بیش از یک میلیارد ریال باشد، دادگاه‌های عمومی حقوقی صالح به رسیدگی می‌باشند.

۳.۳.۶. الزام به واگذاری انشعاب برق

با آمدن واژه الزام شاید نوعی تعهد قراردادی به ذهن خطور کند؛ ولی در واقع، در مواردی که خواهان خواستار واگذاری انشعاب بوده و طرح دعوا می‌نماید، هنوز قراردادی بین متقاضی و شرکت توزیع برق منعقد نشده است و باید حالتی را متصور شد که خواهان مدعی حقی منشعب از یک حق عام عمومی و دولتی یعنی شبکه توزیع برق می‌باشد. با این توضیح باید گفت که این حق استفاده از آن جایی که مرتبط با اموال عمومی و دولتی است، در دادگاه‌های عمومی حقوقی به آن رسیدگی می‌شود و از موارد بند ۴ ماده ۱۱ قانون مورد بحث خواهد بود.

۳.۳.۶. مطالبه وجه ناشی از تصرف اراضی در اثر احداث شبکه‌های برق

یکی از دعاوی‌ای که تعیین مرجع صالح در رسیدگی به آن، محل بحث می‌باشد، مطالبه وجه ناشی از تصرف اراضی اشخاص در اثر احداث شبکه‌های توزیع برق است. هرچند این نوع از دعاوی، ممکن است با عنوان مطالبه وجه اقامه شوند، ولی در زمره عنوان تصرف عدوانی قرار می‌گیرند؛ زیرا همانند سایر دعاوی سه‌گانه مالکیت، نوعی دعوی اعتباری غیرمالی است (فتحی، ۱۳۹۰:۱۴۰۳).

حال دو راه برای مدعی حق مزبور وجود دارد. اول آن که دعوی خود را ذیل عنوان کیفری تصرف عدوانی طرح نماید، و حالت دوم اقامه این دعوا در قالب تصرف عدوانی حقوقی است. در نگاه اول به نظر می‌رسد که در حالت نخست، مطابق رای وحدت رویه شماره ۱۱۰/۱۵۲/۱۲۱۴۶ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۷ دیوان عالی کشور که جرم تصرف عدوانی (مواردی که املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی باشد) را در زمره جرایم درجه ۷ تعزیری قرار داده است، مرجع صالح به رسیدگی مطابق بند ۱۰ ماده ۱۲ قانون شوراهای حل اختلاف، دادگاه صلح خواهد بود؛ ولی این استدلال بدون در نظر گرفتن ماهیت شبکه‌های برق عمومی نمی‌تواند صحیح باشد. بنابراین به نظر نگارندگان این پژوهش، مقدم بر درجه قانونی این جرم، باید به ماده ۱۱ قانون مزبور رجوع کرد و با استدلال مبسوط بخش‌های قبل، می‌بایست مرجع صالح در رسیدگی به تصرف عدوانی در اثر احداث شبکه‌های برق را دادگاه‌های کیفری دو دانست. حالت دوم مربوط به زمانی است که خواهان، دعوی حقوقی تصرف عدوانی را طرح می‌نماید که باز هم بر اساس استدلال ارایه شده نمی‌توان با نگاهی سطحی و منطبق بر بند ۲ ماده ۱۲ قانون شوراهای حل اختلاف، مرجع صالح را دادگاه صلح دانست و باید در دادگاه عمومی حقوقی به آن رسیدگی شود.

۵.۳.۶. خسارت به تاسیسات برق

گاهی اوقات در اثر حوادثی از جمله برخورد خودرو، خسارتی به شبکه های توزیع برق وارد می شود و در صورت عدم پرداخت خسارت توسط مقصر حادثه، شرکت های توزیع برق دعوایی حقوقی را علیه وی اقامه می نمایند. در این موارد در نگاه اول با این تلقی که این نوع از دعوی در زمره دعای مالی قرار می گیرند تعیین مرجع صالح بر اساس میزان خواسته تعیین می شود. ولی باید توجه نمود که این نوع از خسارت ها که به شبکه های توزیع برق عمومی وارد می شوند به دلیل ماهیت آن، باید در دادگاه های عمومی حقوقی رسیدگی شود. هر چند مخالفین این استدلال تنها ملاک عمل برای تعیین مراجع صالح را حد نصاب مقرر در بند یک ماده ۱۲ قانون شوراها می دانند، ولی به نظر می رسد که ادله منطبق بر فحوای نظر قانونگذار که در ماده ۱۱ این قانون (موارد غیرقابل طرح در شوراها حل اختلاف) متجلی شده است، باید مدنظر قرار گیرد.

۴.۶. تعیین مرجع صالح در دعوی کیفری مرتبط

۱.۴.۶. ایراد صدمه بدنی غیر عمد ناشی از تصادفات و حوادث کار

برای تصمیم گیری در خصوص تعیین مرجع صالح در رسیدگی به جرایم مزبور، باید مطابق بند ۹ و ۱۰ ماده ۱۲ قانون شوراها حل اختلاف عمل نمود. مطابق این ماده، رسیدگی به جنبه عمومی و خصوصی تمامی جرایم غیر عمد ناشی از تصادفات و حوادث کار، و نیز جرایم عمدی تعزیری درجه هفت و هشت در صلاحیت دادگاه های صلح می باشد. با این وجود، به عقیده برخی از پژوهشگران، گنجاندن تنها قسمت غیر عمد این دسته از جرایم در صلاحیت دادگاه های صلح نوعی اشتباه در قانون گذاری بوده است (همان، ۱۳۹۰:۱۴۰۳). همچنین، در ایراد صدمه بدنی غیر عمد ناشی از تصادفات رانندگی، معمولاً شرکت های توزیع برق به دلیل نقص در لوازم روشنایی، مقصر شناخته می شوند. در صلاحیت رسیدگی به این نوع از دعوی ایهامی وجود ندارد و صراحتاً مطابق بند ۹ ماده ۱۲ قانون شوراها، رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه های صلح است. به علاوه، در مورد مطالبه دیه ناشی از برق گرفتگی یا سایر حوادث در محل کار نیز، بر اساس مقرر قانونی گفته شده، رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه های صلح می باشد.

۲.۴.۶. جرایم با هدف استفاده غیر مجاز از برق

این جرایم شامل مواردی از جمله دستکاری در لوازم اندازه گیری، استفاده غیر مجاز از برق برای استخراج رمزارز، و استفاده غیر مجاز از برق برای مصارف خانگی است. در این دسته از جرایم باید مبنای تصمیم گیری را قانون مجازات استفاده کنندگان غیر مجاز از آب و برق و گاز و مخابرات مصوب سال

۱۳۹۶ قرار داد. در بند (الف) ماده یک این قانون، دو حالت برای تعیین مجازات در نظر گرفته شده است. حالت اول زمانی است که استفاده غیرمجاز از برق با هدف تامین مصرف خانگی باشد و قانون‌گذار مجازات این جرم را درجه ۶ در نظر گرفته است. حالت دوم، استفاده برای موارد غیرخانگی است که جزای نقدی از یک تا دو برابر بهای برق مصرفی برای آن تعیین شده است (داورپور و شهروی، ۲۷۹:۱۳۹۹). با این تفکیک، در حالت اول (استفاده برای مصارف خانگی)، به دلیل این که جرم درجه ۶ می‌باشد، موضوع از صلاحیت دادگاه‌های صلح خارج است و مطابق ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری^۱، رسیدگی به آن در صلاحیت دادسرا و سپس دادگاه کیفری دو می‌باشد. در حالت دوم (استفاده برای مصارف غیرخانگی)، به دلیل این که مجازات تعیین شده نسبی است، مطابق رای وحدت رویه دیوان عالی کشور^۲، جرم مزبور از درجه ۷ بوده و در صلاحیت دادگاه صلح می‌باشد.

۳.۴.۶. سرقت از شبکه توزیع برق

برای تعیین درجه جرایم با موضوع سرقت از شبکه برق، باید به قانون مجازات اسلامی مراجعه کرد و برای این منظور، سه ماده قانونی از بخش تعزیرات مورد نظر است (مواد ۶۵۹، ۶۶۴ و ۶۶۲ بخش تعزیرات)^۳. در حالی که مطابق ماده ۶۵۹، سرقت از تاسیسات عمومی شبکه برق صورت گرفته باشد،

۱. جرایم تعزیری درجه هفت و هشت به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شوند.

۲. رای وحدت رویه شماره ۷۵۹ مورخ ۱۳۹۶/۰۴/۲۰ هیات عمومی دیوان عالی کشور مقرر می‌دارد مجازات جزای نقدی که درجات آن در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ مشخص شده، با توجه به تعیین حداقل و حداکثر آن در قانون، ناظر به جزای نقدی ثابت است و از جزای نقدی نسبی که میزان آن بر اساس واحد با مبنای خاص قانونی احتساب می‌گردد و از این حیث در جرایم با عناوین مشابه یکسان نیست، انصراف دارد؛ بنابراین مجازات جرایمی که طبق قانون جزای نقدی نسبی است با توجه به حکم مقرر در تبصره ۳ ماده مورد اشاره، تعزیر درجه هفت محسوب می‌شود.

۳. ماده ۶۵۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات): هر کس وسایل و متعلقات مربوط به تاسیسات مورد استفاده عمومی که به هزینه دولت یا با سرمایه دولت یا سرمایه مشترک دولت و بخش غیردولتی یا به‌وسیله نهادها و سازمان‌های عمومی غیردولتی یا موسسات خیریه ایجاد یا نصب شده مانند تاسیسات بهره برداری آب و برق و گاز و غیره را سرقت نماید به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود و چنانچه مرتکب از کارکنان سازمان‌های مربوطه باشد، به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات): هر کس با علم و اطلاع یا با وجود قراین اطمینان آور به این که مال در نتیجه ارتکاب سرقت به‌دست آمده است آن را به‌نحوی از انجا تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد به حبس از شش ماه تا سه سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. در صورتی که متهم، معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده باشد به حداکثر مجازات در این ماده محکوم می‌گردد.

ماده ۶۶۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات): هر کس عالماً عامداً برای ارتکاب جرمی اقدام به ساخت کلید یا تغییر آن

مرتکب به یک تا پنج سال حبس محکوم شده و مطابق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی این جرم تعزیری درجه ۵ محسوب می‌شود. بنابراین دادسرای عمومی، صالح به رسیدگی اولیه بوده و پس از صدور کیفرخواست، موضوع به دادگاه کیفری دو ارجاع می‌شود. همچنین، اگر سرقت با لوازم مخصوصی از جمله انبر، قیچی، و یا موارد مشابه انجام شود، موضوع مشمول ماده ۶۶۴ قانون تعزیرات نیز خواهد شد و بر اساس قواعد تعدد جرم با آن برخورد می‌شود که در نهایت تغییری در صلاحیت رسیدگی ایجاد نمی‌کند. به علاوه، در مواردی که طبق ماده ۶۶۲ قانون تعزیرات، فردی متهم به خریدوفروش لوازم مسروقه می‌شود، با توجه به مجازات قانونی آن (حبس از شش ماه تا سه سال و تا ۷۴ ضربه شلاق) که از نوع تعزیری درجه ۵ است، باز هم دادسرا و بعد از آن دادگاه کیفری دو، صالح به رسیدگی خواهند بود.

۴.۴.۶. تخریب عمدی، اخلال در شبکه توزیع برق، و تجاوز به حریم آن

بر اساس ماده هشت قانون مجازات اخلال کنندگان در تاسیسات آب و برق کشور مصوب ۱۳۵۹، مرتکبین به اخلال در شبکه برق به ۳ تا ۱۰ سال حبس محکوم می‌شوند. در این حالت، مطابق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، این جرم از جرایم تعزیری درجه ۴ محسوب شده و رسیدگی به آن در صلاحیت دادسرا است. در تجاوز به حریم شبکه‌های برق نیز مطابق ماده یک لایحه قانونی رفع تجاوز از تاسیسات آب و برق مصوب ۱۳۵۹، مرتکب به جزای نقدی درجه ۸ محکوم خواهد شد؛ که در این حالت، بر اساس بند ۱۰ ماده ۱۲ قانون شوراهای حل اختلاف باید موضوع در دادگاه‌های صلح رسیدگی شود. هر چند در حال حاضر، حکم قلع و قمع بناهای متجاوز به حریم شبکه‌های برق با استناد به همین قانون و بدون طرح شکایت با دستور قضایی مقام دادستان انجام می‌پذیرد (زارع، امین نژاد، ۱۴۰۳: ۱۷).

نکته مهمی که باید به آن توجه نمود، ابهام ناشی از لایحه قانونی رفع تجاوز از تاسیسات آب و برق است. همان‌طور که گفته شد، این حق برای شرکت‌های توزیع برق وجود دارد تا بر اساس این لایحه و بدون مراجعه به محاکم قضایی، مجوز قلع و قمع بنا را از دادستان اخذ نمایند. بنابراین، مطالبه حقی که نتیجه آن، تجاوز به حقوق دیگران از جمله تخریب یک بنا می‌باشد، آیا واجد وجاهت قانونی و منطبق بر قانون اساسی است؟ (قلی زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۳). برای پاسخ به این ابهام، پیشنهاد می‌شود تا لایحه قانونی مزبور اصلاح شده و رسیدگی به دعوای تجاوز به حریم شبکه‌های برق، منحصر در صلاحیت دادگاه‌های کیفری قرار گیرد.

۷. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، ابتدا ماهیت حقوقی شرکت‌های توزیع برق و اموالی که وظیفه نگهداری از آن به عهده این شرکت‌ها گذاشته شده، بررسی گردید؛ و با استناد به آخرین تصویب‌نامه‌های ابلاغی از هیات وزیران، عمومی و دولتی بودن این اموال احراز و اثبات شد. سپس با دسته‌بندی دعاوی رایج، صلاحیت رسیدگی به هر یک از آن‌ها با نگاهی ویژه به دادگاه‌های نوظهور صلح مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت، پژوهش حاضر نشان داد که هر چند در زمان نگارش این مقاله، مدت کوتاهی از تصویب و اجرایی شدن این قانون و به تبع آن، استقرار دادگاه‌های صلح در نظام حقوقی ایران گذشته است، ولی لازم است تا از همان ابتدا، خلأها و ابهامات موجود به‌طور مبسوط مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و ابعاد مختلف این قانون در بوته پژوهش سنجیده شود تا از اطاله دادرسی یا آسیب به حقوق عامه مردم و سازمان‌های متصدی اموال عمومی جلوگیری به عمل آید. بر همین اساس، پیشنهاد می‌شود که مواد ۱۱ و ۱۲ قانون شوراهای حل اختلاف و تبصره‌های مربوطه که مشخص‌کننده نحوه تجدیدنظر در دعاوی مربوطه می‌باشند، به سرعت اصلاح شده و یا با ارایه آرای وحدت رویه مناسب، ابهامات موجود در آن - از جمله رسیدگی به دعاوی اموال عمومی و دولتی و ابهام ناشی از لایحه رفع تجاوز از تاسیسات آب‌وبرق - برطرف گردد؛ تا تجربه تاریخی حذف دادگاه‌های صلحیه تکرار نشده و بیشترین بهره‌برداری از قانون موجود صورت پذیرد.

منابع و مأخذ

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۲). *ترمینولوژی حقوق*، تهران، نشر گنج دانش، جلد نخست
۲. زارع، محمد کاظم، امین نژاد، محمد صادق (۱۴۰۳). *جرایم رمز/ارزها*، تهران، انتشارات قوه قضاییه، جلد نخست
۳. شمس، عبدالله (۱۴۰۳). *آیین دادرسی مدنی دوره بنیادین*، تهران، نشر دارک، جلد نخست
۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*، تهران، بنیاد حقوقی میزان، جلد نخست
۵. متین دفتری، احمد (۱۳۷۸). *آیین دادرسی مدنی بازرگانی*، تهران، نشر مجد، جلد نخست
۶. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۷). *قواعد فقه*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، جلد نخست

ب) مقالات

۷. ابریشمی راد، محمد امین و آئینه نگینی، حسین (۱۴۰۳). صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شکایت از نهادهای عمومی غیردولتی. *مطالعات حقوقی*، ۱۶(۲)، ۱۰۹-۱۴۴.

۸. بابایی، ایرج. (۱۳۹۹). مفهوم مسئولیت مدنی. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۳(۶)، ۲۹-۱۱.
۹. برزگر خسروی، محمد (۱۴۰۲). "تحلیل حقوقی سازمان ها، شرکت ها و موسسات وابسته به دولت با بررسی موردی شرکت های توزیع نیروی برق"، فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۴۲، ۱۲۳ تا ۱۴۴
۱۰. توکلی، محمد مهدی. (۱۴۰۳). پیشینه و چالش های محاکم صلح در آخرین تحولات قانون گذاری. دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی، ۱(۲)، ۴۷-۷۸
۱۱. حبیبی، حمید، میری، حسین، اسماعیلی، علی اکبر. (۱۴۰۳). مسئولیت مدنی عاملان زیان در حوادث مربوط به نیروی برق. پژوهش های بنیادین در حقوق، ۶(۲)، ۸-۳۱
۱۲. خانی، میرحامد، دهقان دار، مجتبی (۱۴۰۳). "نقدی بر قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲ در آیین قانون آیین دادرسی کیفری موضوعه"، فصلنامه فقه جزای تطبیقی، ۳، ۱۶۷ تا ۱۸۲
۱۳. داورپور، صدف و شهروی، حسن. (۱۳۹۹). تحلیل قانون مجازات استفاده کنندگان غیرمجاز از آب، برق، تلفن، فاضلاب و گاز با تأکید بر حوزه آب و فاضلاب. پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی، ۸(۱۵)، ۲۷۹-۲۹۲.
۱۴. رجبی، اکبر، رجبی نژاد، سجاد (۱۴۰۳). "نهادهای نوین صلح و سازش در حقوق کیفری ایران"، نشریه مطالعات حقوقی، ۴۳، ۷۵ تا ۸۵
۱۵. عبداللهی، حسین (۱۳۹۸). "بازتعریف اموال عمومی و آثار آن در نظام حقوقی ایران"، نشریه پژوهش حقوق عمومی، ۲۱، ۶۵ تا ۹۶
۱۶. فتحی، بدیع (۱۴۰۳). نقد و تحلیل صلاحیت های دادگاه صلح. پژوهش حقوق خصوصی، ۱۲(۴۷)، ۱۱۹ تا ۱۶۲.
۱۷. قائم مقام فراهانی، محمد حسین (۱۳۸۴)، "صلاحیت رسیدگی به امور مدنی"، نشریه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۶۸، ۱۵۷ تا ۱۷۸
۱۸. کاویار، حسین، امینی، مهدی (۱۴۰۳). "صلاحیت دادگاه صلح در قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲"، نشریه دیدگاه های حقوق قضایی، ۱۰۶، ۱۰۵ تا ۱۳۴
۱۹. کریمی، عباس و پرتو، حمید رضا. (۱۳۹۰). داوری پذیری دعاوی مربوط به اموال عمومی و دولتی. پژوهش حقوق عمومی، ۱۴(۳۶)، ۱۵۷-۱۸۴.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Jafari Langroodi, Mohammad Jafar (1993). Legal Terminology, Tehran, Ganj Danesh Publications, Volume One
2. Katouzian, Naser (2011). Civil Law in the Current Legal System, Tehran, Mizan Legal Foundation, Volume One
3. Matin Daftari, Ahmad (1999). Civil Procedure Code of Commerce, Tehran, Majd Publications, Volume One
4. Mohaghegh Damad, Seyyed Mustafa (1998). Rules of Jurisprudence, Tehran, Tehran University Publications, Volume One
5. Shams, Abdullah (2024). Civil Procedure Code of the Basic Period, Tehran, Dark

Publications, Volume One

6. Zare, Mohammad Kazem, Amin Nejad, Mohammad Sadeq (2024). Cryptocurrency Crimes, Tehran, Judiciary Publications, Volume One

B) Articles

7. Abdollahi, Hossein (2019). "Redefinition of Public Property and Its Effects in the Iranian Legal System", *Journal of Public Law Research*, 21, 65-96
8. Abrishami Rad, Mohammad Amin and Aine Negini, Hossein. (1403). The jurisdiction of the Administrative Court of Justice in handling complaints against public non-governmental institutions. *Legal Studies*, 16(2), 109-144
9. Babaei, Iraj. (2019). The concept of civil liability. *Quarterly Journal of Research and Development in Comparative Law*, 3(6), 11-29.
10. Barzegar Khosravi, Mohammad (2023). "Legal Analysis of Government-Affiliated Organizations, Companies, and Institutions with a Case Study of Electricity Distribution Companies", *Quarterly Journal of Public Law Knowledge*, 42, 123-144
11. Davarpour, Sadaf and Shahravi, Hassan. (2019). Analysis of the Penal Code for Unauthorized Users of Water, Electricity, Telephone, Sewage and Gas with Emphasis on the Water and Sewage Sector. *Criminal Law and Criminology Research*, 8(15), 279-292.
12. Fathi, Badi. (2024). Critique and analysis of the powers of the peace court. *Private Law Research*, (47).12, 119-162
13. Ghaem-e-Maqam Farahani, Mohammad Hossein (2005), "The Jurisdiction to Handle Civil Affairs", *Law Journal, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran*, 68, 157-178
14. Habibi, Hamid, Miri, Hossein, Esmaeili, Ali Akbar. (1403). Civil liability of the perpetrators of damage in accidents related to electricity. *Fundamental Research in Law*, 6 (2) 8-31
15. Karimi, Abbas and Parto, Hamid Reza. (2011). Arbitrability of claims related to public and government property. *Public Law Research*, 14(36), 157-184.
16. Khani, Mirhamed, Dehghandar, Mojtaba (2014). "Criticism of the Law of Dispute Resolution Council Approved in the Mirror of the Criminal Procedure Code", *Quarterly Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3, 167-182
17. Rajabi, Akbar, Rajabinejad, Sajjad (2014). "New Peace and Reconciliation Institutions in Iranian Criminal Law", *Journal of Legal Studies*, 43, 75-85
18. Tavakoli, Mohammad Mehdi. (2024). History and challenges of peace courts in the latest legislative developments. *Bi-Quarterly Journal of Research and Development in Private Law*, 1(2), 47-78
19. viar, Hossein, Amini, Mehdi (2014). "The Jurisdiction of the Peace Court in the Law of Dispute Resolution Councils Approved in 1402", *Journal of Judicial Law Perspectives*, 106, 105-134